

سازمانده کمونیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۵



جمعه ها منتشر میشود

پخش ادبیات کمونیستی یک کار سیاسی جدی و یک وظیفه مهم حزبی است!

خاله حاج محمدی

برای ما کمونیستها میدانی که میتوانیم حریفان خود را زمین بزیم آنجایی است که صد و موانع سر راه اشاعه ادبیات و عقاید خود را میشکنیم.

فکار و نظرات برابری طلبانه ما به حکم حقیقت گویی و دور بودن از فریب و پروپاگاندا، به حکم دفاع از منفعت مردم و بیان منافع آنها و توده گیر، جذاب و سازمانده است.

اگر دولتها، احزاب و جریانات و کل میدیای بورژوایی با فریب و دروغ و حقه بازی در تلاشند و با هزینه های سنگین میکوشند حقایق روشن را وارونه جلوه دهند و به مهندسی افکار مردم میپردازند و بر سر مردم کلاه میزنند، ما کمونیستها نقطه اتکا و قدرتمان در بیان حقیقت است.

نیروی ما و برایی کلام و افکار ما درست بر عکس طبقات حاکم در بیان حقایق ص ۳

حکمتیست ها و فعالیت مشترک و حزبی، فعالیت اجتماعی و توده ای، فعالیت غیر اجتماعی

بهرام مدرسی - اسد گلچینی

کشیدن خط و مرزهای اختلافات "ایدئولوژیک" خود با دیگران کرده است.

سیاست برای این برخورد طبیعی است که نه جایگاه اجتماعی، برای جایجا کردن نیرو در جامعه و نشان دادن راه این جایجایی، بلکه متاسفانه درخود معنایی ایدئولوژیکی پیدا میکند. برای نمونه مباحث مهم "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" ما بجای اینکه ما را به متحد کننده مردم در محل زندگی و کارمان تبدیل کند، بجای این که به ما بگوید که بعنوان رهبران اعتراض مردم باید در چه قالب و کالیبری ظاهر شویم؟ به مبنایی برای کشیدن مرزها با بیرون خودمان تبدیل میشود، به درستی این مبنای آنچنان "ایدئولوژیک" پافشاری میشود که نتیجه آن انزوای این رفقا و جدایی شان از مسایل واقعی مبارزاتی محلشان میشود. روشن است که مسله این جانه پافشاری بر درستی این مباحث بلکه نوع نگرش به این مباحث و اساسا جایگاه تئوری برای ما است. بارها شنیده ایم که "فلانی چپ لیبرال است"، "چیزی بارش نیست"، "باما اختلاف اساسی دارد" و وقتی که میپرسید که خوب این فلانی در محل زندگیش چه نقشی دارد؟ می شنوید که "آدم خوبی

کمونیسم کارگری و در ادامه حزب حکمتیست ها باید دیگر برای همه روشن باشد، حزب ما تنها حزب کمونیستی است که نه تنها امروز بلکه ۲۷ سال است تلاش کرده است که مارکسیسم ارتدکس، مارکسیسم دخالتگر، جنبش کمونیستی و کارگری که منافعش را نه از شرکتش در جنبش های دیگر، بلکه مستقیما از هدفش که لغو کار مزدی و ایجاد جامعه ای سوسیالیستی است، میگیرد را تئوریزه کند و راه کسب قدرت سیاسی را نشان دهد و مبنای محکم تئوریک و ایدئولوژیک را در این رابطه به جامعه ارائه دهد. حجم عظیم آثار تئوریک منصور حکمت، کورش مدرسی و متفکرین و رهبران دیگر جنبش حکمتیست ها همین را نشان میدهد.

این حجم عظیم تئوری متاسفانه بخشا بعضی از رفقای ما را بیشتر از اینکه به نوع دیگری از فعالیت سوق دهد، بجای این که آنها را با استفاده از این ابزار سیاسی و تئوریک، به رهبران مبارزه در محل خود تبدیل کند، بجای اینکه به کسانی تبدیل شوند که هر کسی که میخواهد "حرف حسابی" را در رابطه با مسایل مختلف اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی بشنود مجبور باشد که به آنها رجوع کند، به مبنایی برای

به هر درجه که فعالیت کادرها و فعالین حکمتیست گسترش و ابعاد بزرگتری بخود میگیرد، به همان درجه نوع کار، روش فعالیت و کلا کاری را که دیگر نباید انجام داد، را میشود با ابعاد بهتری دید. کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست ها بخصوص بارها و به بهانه های مختلف درباره سبک کار و نوع فعالیت کمونیستی صحبت کرده اند، میشود از سر همین مباحث سیاسی و تئوریک روش فعالیتی را که باید انجام داد و روشی را که باید از آن پرهیز کرد را نشان داد، این اما آنجا که دیگر مستقیما با فعالیت بخشی از رفقای ما و واحد ها و کمیته های ما برمیگردد، ابعادی متنوع تر از این مباحث سیاسی و تئوریک را بخود میگیرند، میشود به جنبه های بروز فعالیت هایی که ما نقدشان کرده ایم در بخشی از فعالیت های بخشی از رفقایمان بپردازیم، میشود نقاط قوت را نشان داد و میشود گفت که این خوب و آن دیگری شاید آنطور که باید و شاید نیست و میشود مشترکا به آن نوع فعالیت و سبک کاری رسید که همه سیاستا درمورد آن توافق داریم. مهم اما توافق عملی و توجه این بخش از رفقا در این باره است. نکاتی در همین رابطه:

جایگاه ایدئولوژی در جنبش

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

یکی دیگر از نتایج طبیعی این روش فعالیت غیر اجتماعی سیال شدن محل فعالیت است. امروز این جا و فردا آنجا، بسته به اینکه در کدام جمع و محفل هم نظران "ایدئولوژیکی" خود مان را پیدا میکنیم، "سروکله مان" آنجا پیدا میشود. این نوع وارد شدن به فعالیت سیاسی، محل معینی را برای فعالیت این رفقا تعریف نمیکند و به همین دلیل توان کاری ادامه دار و پایه ای را ندارد. این ضریب امنیتی این رفقا را هم پائین میآورد. فعالیت سیاسی ما مخفی است. مخفی نگاه داشتن کار سیاسی مان از پلیس سیاسی، یک جنبه اش حفظ اسرار سیاسی و تشکیلاتی مان است، جنبه دیگری که درست به همان درجه مهم است، ارتباط فعالیت سیاسی ما با محیط مان است. فعال سیاسی که مردم را با خود نداشته باشد، فعال سیاسی که به خطر افتادنش به معنای به خطر افتادن بخشی از دستاوردهای مبارزات مردم در محل نباشد "طعمه چربی" برای پلیس سیاسی است و حفظ امنیتش در محل صرفا به امکانات شخصی او محدود میشود.

روشن است که چنین فعالیت "ایدئولوژیکی" و نه اجتماعی بدوا مانع آن میشود که رفقای ما به تعدادشان اضافه شود. جمع این رفقا همان تعداد چند سال گذشته را دارد، انسان های جدید دقیقا بخاطر همین خط و مرز های ایدئولوژیکی به ما اضافه نمیشوند. از آنجا که نگرش در این جا از فعالیت سیاسی به کار اجتماعی ما مربوط نمیشود، تلاش برای جذب دیگران هم حداکثر به جلسات کش و قوس دار سیاسی تبدیل میشود که در صورت موفقیت پروسه ای چندین و چند ساله خواهد بود، زمانی که ما جدا آن را نداریم. خود این رفقا اما نه از سر توافقات ایدئولوژیکیشان با حزب حکمتیست ها، بلکه در پروسه فعالیت مبارزاتییشان و اقتناع به درستی سیاست های این حزب است که آن را بدوا قبول کرده اند و با آن همکاری میکنند، این روش فعالیت غیر اجتماعی خود این بخش از رفقا را از آن کالیبر و پتانسیلی که سابقا داشته اند هم دور کرده است. کالیبر و پتانسیلی که از دست نرفته است، بلکه به دلیل این روش فعالیت نادرست فعلا به "خصوصیت" درجه چندم این رفقا تبدیل شده است.

این جنبش از جمله لایق ترین، کارا ترین و تیزبین ترین کمونیست ها و رهبران مردم هستند. شناختن این و پا در میدان مرزبندی های "ایدئولوژیکی" گذاشتن متاسفانه این واقعیت را برای این دسته از رفقا گم میکند. ناراحت کننده تر از این وقتی است که ما این برخورد را میان رفقای خودمان شاهد هستیم. "فلانی راست شده است!" وقتی که سوال میکنید چرا؟ معلوم میشود که این "فلانی" پاکسانی که با ما هم نظر نیستند نشست و برخاست دارد و ظاهرا سیاستش را از آن ها میگیرد! بجای این که "فلانی" را تقویت کنیم و کمکش کنیم که انسان های بیشتری را با خود و جنبش ما همراه کند، "ترد" میشود و مشکلاتی برای فعالیتش ایجاد میشود. تناقض میان فعالیت اجتماعی و رهبر شدن با فعالیت محفلی و غیر اجتماعی در مرزبندی های "سیاسی" خود را نشان میدهند که ربط مستقیمی به خود مباحثات سیاسی ندارند، بلکه بیشتر تناقض این دو نوع فعالیت را نشان میدهند و در مواقعی مانعی جدی در راه بزرگتر شدن ما و گسترش بیشتر فعالیتمان شده اند.

است، "مردم قبولش دارند"، "متحد کننده است" و غیره. ارزیابی از این "فلانی" نه بر اساس نقش اجتماعی که دارد و کمکی که به ما برای انجام اهدافمان میتواند بکند، بلکه بر اساس اینکه فلان بحث ما را قبول ندارد است. تلاش برای قانع کردن این "فلانی" به مباحث سیاسی ما هم طبعاً بجای اینکه در جریان همکاری مشترک ما با هم و قدم به قدم نشان دادن سیاست درست باشد، مباحث سیاسی تندی خواهد بود که بدوا این "فلانی" را از رفقای ما و از کل حزب حکمتیست ها دور میکند و ضمن اینکه نگرش ما به خودمان هم در همین رابطه نه بر اساس جایگاه اجتماعیمان و کاری که باید بکنیم، بلکه بر اساس اعتقادات ایدئولوژیکیمان ترسیم میشود.

طرف دیگر مسله این است که تلاشی جدی برای رهبر شدن، مردم داری، جمع کردن انسان ها و غیره صورت نمیگیرد، هم فکران خود مان را که کاملاً با ما هم نظر هستند را جمع میکنیم ولی کار جدی رو به جامعه صورت نمیدهیم. اعضای حزب حکمتیست ها، کادرهای آن و فعالین

کمیته تشکیلات کل کشور

بهرام مدرسی (دبیر) : bahram-modarresi@freenet.de
 اسد گلچینی : asad.golchini@ukonline.co.uk
 مظفر محمدی : mozafar_mohammadi@yahoo.com
 محمود قزوینی : mahmood@iran-tribune.com
 خالد حاج محمدی : khaledhaji@yahoo.com

ساعات پخش برنامه های
 تلویزیونی پرتو:
 هر جمعه ساعت ۷ تا ۸ شب به وقت
 تهران
 روی شبکه تلویزیونی کانال یک

متحد شوید! به حکمتیست ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!

بقیه از صفحه ۱

پخش ادبیات کمونیستی یک کار سیاسی جدی و یک وظیفه مهم حزبی است

... و تلاش برای نشان دادن راه و مقدر بودن تغییر در زندگی مردم و مقدر بودن گذاشتن نقطه پایان ر دنیای پر تناقض و پر از جنایت و توحش حاکم به نفع بشر است. کمونیستها همیشه از مخفی کردن افکار و عقاید خود ابا داشته اند. حقیقت گویی و تلاش برای کنار زدن پرده کریه از روی امواج وسیع تبلیغات دول حاکم و نشان دادن حقایق، یکی از ارکان اصلی کار ما بوده است. اگر نقطه قوت افشار و طبقات حاکم بر دروغگویی و مهندسی افکار و اشاعه جهل و خرافات به نام حقیقت بوده است، نقطه قوت ما در بیان کل حقیقت به مردم و مطلع کردن آنها از واقعیات موجود بوده است.

به همین دلیل تلاش برای قطع صدای انسانی ما، بکار بردن دنیایی امکانات و هزینه های سنگین برای ممانعت از دسترسی ما به مردم، بخشی از همین مهندسی افکار و ایجاد فضای مسموم و متعفن دنیای وارونه و پر تناقض موجود است.

یک رکن تلاش دولتهای حاکم قطع صدای ما و تلاش برای ممانعت از پخش افکار ما بوده است. روزانه هزاران رسانه در خدمت اشاعه خرافات و پخش شرم آورترین و کثیف ترین تبلیغات و دروغهای شاخدار علیه بشریت در تلاشند. صدها وسیله از تلویزیون و رادیو و و نشریات تا مسجد و سینما و ... در تلاشند که انسان را متقاعد کنند که دنیا همین است، که توحش و بربریت سهم بخش عظیم مردم است، که زن ستیزی و کودک آزاری و فقر و بربریت و کشتار مردم و توحش افسارگسیخته طبقات

حاکم، تاریخ تخطی ناپذیر و غیر قابل تغییر جهان است. که دنیا همین است و تلاش برای رهایی به جایی نمیرسد. در مقابل این تلاش ارتجاعی ابزار برا و مهم ما ادبیات و نشریات ما است. وسیله و امکانی که ما در دست داریم افکار انسانی و متحد کننده و جذاب و بسیار واقعی ماست. این تنها و مهمترین وسیله ما جهت بیان حقیقت و آگاهگری و توضیح حقایق برای مردم است. در کل طول تاریخ یک رکن اصلی فعالیت کمونیستها و یک وسیله مهم و کار آمد آنها پخش افکارشان بوده است. افکار انسانی و کمونیستی ما، جذاب، انسانی، واقعی، تغییر دهند و علیه وضع موجود و بشدت انسانی و تکان دهنده است. اما به شرطی که بتوانیم به مردم دسترسی داشته و بتوانیم صدای خود را به آنها برسانیم. ادبیات کمونیستی ابزار مهم فعالیت ما برای ایجاد دریچه ای در فضای مسموم کنونی بر روی حقیقت و روزنه ای بر دنیایی انسانی برای بشریت است.

یکی از ابزارهای مهم ما نشریات و ادبیات کمونیستی ما برای تقابل با این فضا و مهندسی افکار است که روزانه با هزاران امکانات بازتولید میشود. امکانات ما کمونیستها در سایه تلاشهای دولتهای حاکم و دیوار اختناق که برای چشم و گوش بستن مردم ایجاد کرده اند و ممنوع بودن آنها، بسیار محدود است. ادبیات کمونیستی و داشتن و خواندن آنها ممنوع است و به همین دلایل تا کنون هزاران انسان شریف سر از شکنجه گاهها در آورده و اعدام شده اند. زندان و پلیس و اطلاعات و جاسوس را همراه با قاضی احکام قرون اوستایی را گذاشته اند تا این محدود امکانات را نیز از مردم سلب کنند و هر راهی را بر حقیقت و دیدن و شنیدن آن ببندند.

در چنین جوامعی مردم تشنه آزادی و

حقیقت هستند و پخش ادبیات کمونیستی بیش از هر زمان مهم و حیاتی است. از هر امکانی برای دسترسی مردم به افکار خود باید استفاده کرد. نشریات و کتب و نوشته های کمونیستی را باید به هر میزان که مقدور است بازتکثیر و به شیوه مناسب به دست مردم رساند. ما کمونیستها کانالی برای مردم جهت دستیابی به حقیقت و برداشتن پرده های ابهام و ناروشنی از روی دنیای تاریخ و پر از دروغ است. امکانات ما کم است اما در عوض سمپاتی به افکار ما وسیع است. اعتماد به ما، اعتقاد به حقیقت گویی و افکار انسانی و برابری طلبانه و تلاش برای تغییر دنیای موجود بسیار وسیع است.

نشریات کمونیستی و رساندن آن به دست مردم یک کانال مهم آگاهگری مردم است و امیدوار کردن آنها به امکان تغییر دنیای موجود است. برای هر کمونیست متشکلی که در تلاش است در زندگی مردم هم نسل خود تغییری ایجاد کند، نشریه و ادبیات کمونیستی یک ابزار مهم است. نشریات و ادبیات کمونیستی همیشه ابزار آگاهگری مردم و نه تنها این بلکه ابزار سازمانگرانه مردم حول اهداف خود بوده است. تلاش برای تکثیر نشریات و پیدا کردن راههای مناسب این کار و بالا بردن همیشگی تیراژ بازتکثیر آنها یک وظیفه مهم کمونیستی و یک کار مهم و همیشگی کمونیستها بوده است.

هر انسان کمونیستی، هر جمع و محفلی و هر کمیته کمونیستی باید برای خود بگذارد که ابزار مهم وصل کردن شبکه و محافل مختلف کمونیستی، یک ابزار مهم وصل کردن شبکه های مبارزاتی و یک ابزار مهم سازماندادن مردم، نشریه کمونیستی است. نقش نشریات و افکار و اشاعه آنها، خونی است که در این محافل جریان خواهد داشت و تاثیر خواهد

داشت و سازمان خواهد داد. تمایل انسانها به دنیایی انسانی در طول تاریخ همیشه بوده است.

آرزوی دنیای برابر و فارغ هر نوع ستم، امیال و آرزوی انسانها در طول تاریخ بوده است. اینها به تنهایی نمیتواند الزاما تغییری در زندگی کسی ایجاد کند. جذب مردمی که چنین افکار و تمایلاتی دارند، ایجاد خوشبینی در آنها، و تحریک افکار و احساسات انسانی آنها، تشویق آنها برای انجام کاری و در دستور گذاشتن اقدامی، تشویق و ترغیب آنها برای جمع شدن حول افکاری و برای انجام کاری، وصل شدن به جمعی و ایجاد نزدیکی میان جمع، سازماندان جمعی از نزدیکترین آدمها به هم برای پیشبرد امری، به ابزار و سازمان خود نیاز دارد. نشریه کمونیستی یک ابزار مهم این امر است.

کمونیست، اکتبر جوانان حکمتیست و سازمانده کمونیست و هر کدام دیگر از نشریات و ادبیات ما ابزاری برای نزدیک کردن مردم حول پرچمی و برای انجام کاری که همانا انقلاب کمونیستی است.

متاسفانه ادبیات ما در دسترس مردم نیست و یا بسیار کم است. جبران این کمبود وظیفه مهم هر انسان کمونیستی است که به این افکار سمپاتی دارد. این کار را باید سازمان داد. باید ابتکارات مختلف را برای تکثیر نشریات حزب حکمتیست و ادبیات مارکسیستی بکار بست و در این راه کار کرد. نشریه وسیله و ابزار تحزب و چسب دوقلوی سازمان کمونیستی است. تکثیر و پخش آن بر دوش فعالین کمونیست و هر جمع آزادیخواهی است که در این راه وظیفه ای برای خود قائل است. بی شک فعالین کمونیست متشکل در کمیته های کمونیستی این کار را به عنوان یک وظیفه مهم خود خواهند گذاشت.